

حکم‌زنان

دوفصلنامه علمی- پژوهشی قرآن‌پژوهی
سال چهارم / شماره هشتم / پاییز و زمستان
صفحات ۱۶۷-۱۹۷

مطالعه تطبیقی آیات برائت بر پایه تفسیر المیزان و المنار

فاطمه نجفی *

امید قربانخانی **

چکیده

آیات برائت که در سال نهم هجری نازل و توسط امام علی علیه السلام در مراسم حج ابلاغ شد، از جمله آیات مورد اختلاف میان مفسران شیعه و سلفیه است. نظر به آن که تفسیر المیزان از شیعه و تفسیر المنار از سلفیه، دو تفسیر هم عصر، جریان ساز و تأثیرگذار بر تفاسیر بعد از خود بوده و هر دو از روش قرآن با قرآن بهره جسته‌اند و همچنین علامه طباطبایی به جهت رویکرد سلفی رشید رضا در موارد متعددی به نقد دیدگاه‌های او پرداخته است، پژوهش حاضر به بررسی آیات برائت از مشرکان از منظر این دو تفسیر پرداخته و این سؤال را بررسی کرده است که مفسران المیزان و المنار درباره تفسیر آیات برائت چه نقاط اشتراک و افتراقی دارند؟ هدف از این پژوهش فهم بهتر آیات یادشده و مقایسه دیدگاه‌های آن دو مفسر است، بنابراین به روش تحلیلی تطبیقی است. یافته‌های نشان می‌دهد: ۱. رشید رضا حکم برائت را صرفاً تشریعی دانسته؛ ولی علامه قائل به صرف تشریع نیست و آیه ۱ سوره توبه را نشاء حکم و قضاء بر برائت نیز می‌داند؛ ۲. مصادیق برائت در آیه پنجم سوره توبه از دیدگاه علامه ترتیبی و از نظر رشید رضا تخيیری هستند؛ ۳. اعلان آیات برائت توسط امام علی علیه السلام مورد قبول شیعه و سلفیه است؛ با این تفاوت که شیعه دلالت این روایات بر افضل بودن امام علی علیه السلام پذیرند، ولی سلفیه، ضمن نقل روایات، دلالت آنها بر افضل بودن آن حضرت رانمی پذیرند.

وازگان کلیدی: المنار، المیزان، برائت از مشرکان، رشید رضا، سوره توبه.

* دانش آموخته سطح سه مؤسسه آموزش عالی حوزه‌ی نورالزهرا؛ b.abolhasani241@gmail.com

** استادیار گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بولعلی سینا (نویسنده مسئول)؛ o.qorbankhani@basu.ac.ir

مقدمه

بیزاری از شرک و برائت از مشرکان از رسالت‌های مهم پیامبران در طول تاریخ بوده است که به روش‌های مختلفی ابراز می‌کردند. پیامبر اسلام ﷺ نیز در موقعیت‌های مختلف، رویکرد متفاوتی از صلح، جنگ و تقيیه در برخورد با مشرکان عصر خود داشتند. پس از جنگ تبوک و مشاهده عهدشکنی مشرکان، آیات ابتدایی سوره توبه نازل شد و بیزاری خدا و رسولش را از مشرکان عهدشکن اعلام کرد. درباره تفسیر آیات برائت و روایات پیرامون آن در میان مفسران اختلاف نظر وجود دارد. مفسران امامیه و سلفیه از جمله مفسرانی هستند که با توجه به اختلاف در مبانی، به بیان دیدگاه‌های متفاوت درباره آیات برائت از مشرکان پرداخته‌اند. با وجود نگارش آثار گوناگون در باب برائت از مشرکان، تاکنون دیدگاه‌های شیعه و سلفیه به صورت تطبیقی بررسی نشده است. برای همین و نظر به جایگاه مهم شیعه و سلفیه در میان مسلمانان، مقاله پیش‌رو به بررسی دیدگاه این دو فرقه درباره آیات برائت با تکیه بر دو تفسیر گران‌سنگ المیزان و المتنار می‌پردازد. دلیل گزینش این دو تفسیر از میان تفاسیر متعدد شیعه و سلفی عبارتند از: جریان‌ساز بودن و تأثیرپذیری تفاسیر بعد از آن‌ها؛ بهره‌گیری هر دو تفسیر از روش قرآن با قرآن؛ نقل و نقد دیدگاه رشید‌رضا توسط علامه طباطبایی در آیات برائت از مشرکان و رویکرد سلفی رشید‌رضا در آیات فضائل اهل‌بیت علیهم السلام.

اهمیت برائت از مشرکان تا جایی است که آیات بسیاری در قرآن کریم به این موضوع اختصاص یافته‌اند. با توجه به اهمیت تفسیر این آیات در دستیابی به نظرگاه قرآن نسبت به مشرکان، انجام این پژوهش ضروری می‌نماید. هدف از نگارش مقاله حاضر

تبیین نقاط اشتراک و اختلاف شیعه و سلفیه در تفسیر آیات برائت از مشرکان بر اساس تفسیر المیزان و المنار است. با توجه به کثرت آیاتی که درباره برائت از شرک و مشرکان نازل شده است، به جهت رعایت اختصار، این اثر تنها به بررسی آیات برائت (آیات اول تا پنجم سوره توبه) می‌پردازد.

۱. پیشینه

برائت از مشرکان به طور صریح در قالب چند آیه در ابتدای سوره توبه نازل و پیامبر ﷺ موظف به اعلان آن شدند؛ لذا اصل موضوع برائت از مشرکان به نزول سوره توبه در سال نهم هجری باز می‌گردد. پس از نزول آیات، در طول تاریخ، آیات برائت موضوع بحث و بررسی مفسران قرار گرفته است. به همین جهت پیامون موضوع برائت از مشرکان آثار فراوانی با رویکردهای فقهی، تفسیری و... به نگاشته شده است. از پژوهش‌هایی که به طور خاص بدین موضوع پرداخته‌اند عبارت اند از:

پایان‌نامه «مبانی قرآنی و حدیثی برائت از مشرکان»؛ نوشته (کریمی، ۱۳۷۸). این پایان‌نامه در صدد بررسی مبانی قرآنی و حدیثی برائت از مشرکان بوده و از سیره پیامبران و سیره پیامبر اسلام ﷺ به عنوان مبانی برائت یاد کرده است.

مقاله «اعلان برائت از مشرکان و تحلیل مفهوم مشرک» (کمالی اردکانی، ۱۳۹۵). این پژوهش به تحلیل مفهوم مشرک و بیان گستره و مصادیق مشرک پرداخته و به نوعی مصادیق برائت از مشرکان را مشخص کرده است.

مقاله «جایگاه اعلان برائت از مشرکان در سیاست خارجی حکومت اسلامی از منظر فقه اسلامی» (کمالی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۵). این مقاله به بررسی فقهی موضوع برائت از مشرکان در حکومت اسلامی پرداخته و پشتوانه‌های فقهی برائت از مشرکان را از آیات قرآن استخراج کرده و آیات برائت در سوره توبه را به عنوان یکی از ادله قرآنی برائت از مشرکان مطرح کرده است.

مقاله «نگاهی تطبیقی به اعلام نزول سوره برائت در احادیث و رویکردهای مفسران فرقیین» (بهادری و فیروزیان، ۱۳۹۷). در این نوشتار روایات مرتبط با اعلان نزول سوره برائت و شباهات پیرامون احادیث، مورد بررسی قرار گرفته است. در یکی از شباهات مربوط به آیات برائت، دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا در رابطه با روایات اعلان نزول بررسی شده اما در تایید دیدگاه شیعه و رد نظر رشیدرضا ادله کافی ارائه نشده است. لذا این مقاله صرفاً به بررسی شباهات مربوط به روایات اعلام نزول آیات پرداخته و تفسیر خود آیات از دیدگاه شیعه و سلفیه مدنظر آن نبوده است.

در آثار یادشده مباحث فقهی مربوط به برائت از مشرکان، مبانی دینی برائت از مشرکان، تحلیل مفهوم مشرک و شباهات مرتبط با روایات اعلان نزول بررسی شده است. تمایز این نوشتار با پژوهش‌های یاد شده، از یک طرف در رویکرد تفسیری و تطبیقی آن و از طرف دیگر در تحدید موضوع به دیدگاه علامه طباطبایی و رشیدرضا است.

۲. مفهوم‌شناسی

مفاهیم برائت، مشرک، تفاسیر سلفی و مطالعه تطبیقی از مفاهیم بنیادی پژوهش حاضر هستند که نیاز است در ابتدا تبیین شود:

۱-۱. برائت

واژه برائت، از ریشه «ب، ر، أ» (ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۱۹۳)، دارای معانی مختلفی از جمله سلامتی از بیماری، عیب و امور ناپسند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۲۸۹؛ ازهری، ۱۴۲۱: ۱۵/۱۹۳)، جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۶؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۱۰/۲۸۶)، ساقط شدن دین و بدھی (فیومی، ۱۴۱۴: ۱/۴۷؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۱۰/۲۸۶؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۶) و خلق کردن می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۸/۲۸۹؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۱/۳۶؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱/۳۱؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱: ۱۰/۲۸۶؛ فیومی، ۱۴۱۴: ۱/۴۷). از نظر راغب اصفهانی معنای خلق کردن از برأ و اسم فاعل آن «بارئ»

اختصاص به خداوند متعال دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱۲۱). از دیدگاه ابن فارس «برا» دو اصل دارد و سایر معانی به این دو اصل باز می‌گردد. اصل اول معنای خلق کردن و اصل دوم به معنای دوری از چیزی و از بین بردن آن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۳۶/۱).

در قرآن ریشه «برا» در معانی مختلفی به کار رفته است. به طور مثال در آیه **﴿هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْمُصَوِّرُ﴾** (حشر، ۲۴). اسم فاعل از این ریشه به معنای آفریننده است. همچنین در آیه **﴿لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ظَاهَرَوا مُؤْسِيَ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا﴾** (احزاب، ۶۹) به صورت فعل و به معنای مبتا بودن و دور بودن از عیب استفاده شده است.

در آیات ابتدایی سوره توبه، از ریشه برا، یک بار مصدر برائت (توبه، ۱) و بار دیگر اسم مشتق بر وزن فعلی «بریء» (توبه، ۳) به کار رفته است. از دیدگاه برخی دانشمندان علم لغت، در سوره توبه، برائت به معنای اعذار و انذار است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۳؛ ازهri، ۱۴۲۱ق، ۱۵/۱۹۳). به این معنا که این آیات اعلانی برای نقض عهد از طرف مسلمانان است و در خود آنها به دلیل این نقض عهد اشاره شده است. همچنین «بریء» به معنای کسی است که از امور زشت دوری می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱/۳۳).

۲-۲. مشرک

مشرک اسم فاعل از ریشه «ش، ر، ک» می‌باشد. «شِرک» به معنای شریک قراردادن چیزی برای خداوند متعال در ریویتیش است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۰/۴۴۹؛ ازهri، ۱۴۲۱/۱۰). مشرک کسی است که چیزی از مخلوقات خدا را به جای او قرار دهد (ازهri، ۱۴۲۱/۱۰). شرک به دونوع عظیم (شریک گرفتن برای خداوند متعال) و صغیر (همراه کردن دیگری با خدا در بعضی کارها است که به آن ریا گویند) تقسیم می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۵۲). اما در سوره توبه، برائت از مشرکان برائت از افرادی است که برای خداوند متعال شریکانی از بتها قرار می‌دادند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۷/۲۸۲). در نتیجه مراد از مشرکان در آیات برائت کسانی هستند که دچار شرک کبیر بودند.

۲-۳. تفسیر سلفی

«سلف» به معنای گذشتگان (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۹۵/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۴۲۰) است. در عصر حاضر با توجه به فعالیت گروه‌های سیاسی تحت عنوان سلفی و تکفیری دیدگاه منفی نسبت به سلفی‌گری وجود دارد. اما سلفیه در اسلام به گروهی از اهل سنت اطلاق می‌شود که در اصول و فروع مسائل دینی به ظواهر کتاب و سنت استناد می‌کنند و عقل را در این قلمرو دخالت نمی‌دهند (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۳۹). تفسیر سلفی تفسیری است با نگرش سلفی و با استناد به سخنان سلف از صحابه و تابعان به تفسیر آیات قرآن می‌پردازد (فتحی، ۱۳۹۷: ۲۰). مهم‌ترین ویژگی‌های تفسیر سلفی خردستیزی و ظاهرگرایی، نقل‌گرایی افراطی و مرجعیت بی‌ضابطه سلف در تفسیر، بدعت‌انگاری اندیشه‌های غیر سلفی و کتمان یا توجیه روايات تفسیری مربوط به فضائل اهل بیت علیهم السلام است (همان: ۲۷-۲۲). تفسیر سلفی در مبانی مشابه اهل حدیث بوده و ابن‌تیمیه به عنوان پیش‌گام این رویکرد تفسیری در دوران متأخر، به شمار می‌آید (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۲: ۳۳۹).

در دوره‌های مختلف تفسیر، تفاسیری با رویکرد سلفی نوشته شده‌اند از جمله: تفسیر القرآن العظیم ابن‌کثیر، تفسیر سمعانی اثر ابوالمنظفر سمعانی، التفسیر الكبير ابن‌تیمیه و... از جمله تفاسیر سلفی در قرن چهاردهم تفسیر المنار اثر رشیدرضا است که شامل نظرات تفسیری او و استادش محمد عبده می‌باشد (از ابتدای قرآن تا آیه ۱۲۶ سوره نساء انشای محمد عبده و املای رشیدرضا و بعد از آن تا آیه ۵۳ سوره یوسف برداشت‌های تفسیری خود رشیدرضا است). با توجه به رویکرد اصلاحی محمد عبده و رشیدرضا و رویکرد سلفی رشیدرضا در تفسیر، این تفسیر در میان تفاسیر سلفی از جایگاه خاصی برخوردار است (فتحی، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

۲-۴. مطالعه تطبیقی

رویکرد تطبیقی، مقایسه توصیفی و تبیینی مواضع خلاف و وفاق پدیدارها یا دیدگاهها، به منظور شناخت و فهم عمیق تر آنها است (موسی، ۱۴۰۱: ۸۷) این رویکرد بنابر معیارهای مختلف به دسته‌های گوناگونی از جمله مطالعات تطبیقی خرد و کلان تقسیم می‌شود. مقاله حاضر در شمار مطالعات تطبیقی خرد قرار می‌گیرد. «مطالعه تطبیقی خرد مطالعه‌ای است که دو سوژه مورد مطالعه در آن به ساختاری بزرگ تعلق دارند و میان ترکیب‌بندی ساختار و کارکردهای عناصر آن مشابهت‌های اساسی وجود ندارد» (پاکتچی، ۱۴۰۱: ۱۱۰)؛ بنابراین تفاسیر المیزان و المنار با وجود اینکه به یک ساختار بزرگ (تفاسیر اسلامی) تعلق دارند، در عین حال دارای مشابهت‌های اساسی نیستند و در نتیجه این مقاله جزء مطالعات تطبیقی خرد به شمار می‌آید (ر.ک: طیب‌حسینی، ۱۴۰۱).

۳. مفهوم برائت در آیه

مفسران در تعریف واژه برائت و بیان مفهوم آن شیوه یکسانی ندارند. برخی از مفسران از جمله شماری از مفسران سلفی و برخی از مفسران شیعی، بدون تعریف برائت به بیان روایات مرتبط با نزول و تبیین آیات پرداخته‌اند (ر. ک ابن‌کثیر، ۱۴۱۹: ۹۰/۴؛ طبری، ۱۴۱۲: ۴۲/۱۰؛ شنقيطي، ۱۴۲۷: ۳۲۰/۲؛ بانوامین، بی‌تا: ۵/۶) گروهی دیگر از مفسران از جمله برخی مفسران شیعه و اهل‌سنت و قاسمی و سمعانی از میان مفسران سلفی، واژه برائت را بریدن رشته و پیوند معنا کرده‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۵/۵؛ طوسی، بی‌تا: ۱۶۸/۵؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۵۲۲/۱۵؛ قاسمی، ۱۴۱۸: ۳۴۶/۵؛ سمعانی، ۱۴۱۸: ۲۸۵/۲). شمار دیگری از مفسران از جمله برخی مفسران شیعه و جزائری، از میان مفسران سلفیه مفهوم برائت در آیه را بر اساس معنای لغوی آن، دوری، بیزاری و رهایی در نظر گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۷۵: ۱۸۵/۴؛ جزائری، ۱۴۱۶: ۳۳۶/۲).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه نخست سوره توبه، برائت را با استفاده از بیان راغب در کتاب مفردات به معنای دوری و بیزاری از هر چیزی که همراهی و مجاورت با آن مورد کراحت باشد معنا کرده است. بدان جهت از نظر ایشان برائت درباره امور ناپسند و ناخوشایند مانند بیماری و یا درباره افرادی که مورد رضایت نیستند به کار می‌رود و مفهوم عامی دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹/۱۴۶).

رشیدرضا نیز در بیان مفهوم برائت تعریف راغب از این واژه را بیان کرده است: «اصل براء، براء و تبری به معنای دوری از هر چیزی است که مجاورت با آن خوشایند نباشد» (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۵۱)؛ بنابراین دو مفسر مدنظر در تعریف مفهوم برائت هم رأی بوده و برای بیان مفهوم این واژه از مفردات راغب بهره گرفته‌اند.

از این رو جمعی از مفسران تعریفی از این واژه ارائه نداده‌اند. گروهی به صراحت معنای لغوی را بیان کرده، و دسته‌ای دیگر برائت را به بریدن رشته معنا کرده‌اند. از این رو مفسرانی نیز که به تعریف برائت نپرداخته و یا آن را بریدن رشته معنا کرده‌اند، معنای لغوی این واژه را در نظر داشته‌اند؛ زیرا عدم تعریف حاکی از مسلم گرفتن معنای موجود در ذهن مخاطب یعنی همان معنای لغوی است. همچنین تعریف برائت به بریدن رشته و پیوند، با وجود این‌که در کتاب‌های لغت ذکر نشده است، برگرفته از «بَرِئَتُ مِنْ فَلَانٍ» در معنای لغوی این واژه می‌باشد. به این معنا که وقتی می‌گوییم از فلانی برائت جستم به معنای دورکردن او از خودمان و قطع ارتباط میان او و خودمان است (شوکانی، ۱۴۱۴: ۲/۳۷۹). در نتیجه معنای برائت در آیه شریفه از نظر مفسران موفق با معنای لغوی این واژه است و علامه طباطبایی و رشیدرضا نیز در این موضوع با دیگر مفسران هم نظر بوده و نظر شاذی مطرح نکرده‌اند.

۴. حکم برائت

از موارد دیگری که بررسی آن در آیه اول سوره توبه ضروری است حکم برائت در این آیه است. از زمان نزول آیات تا کنون، اکثر مفسران از آیه **﴿بَرَأَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدُتُم مِّنَ الْمُشْرِكِين﴾** (توبه، ۱) این بیزاری خدا و رسول اوست از مشرکانی که با آنها پیمان بسته اید، وجوب اعلان برائت را برداشت کرده‌اند. با این وجود برخی مفسران برائت از مشرکان را فقط برای خدا و پیامبران الهی جایز دانسته و برای سایر افراد صرفاً قطع مودت و دوستی با مشرکان را توصیه کرده‌اند (ابن عربی، ۱۴۱۰/۲۴۳-۲۴۴). مفسران شیعه و سلفیه همگی به طور ضمنی و یا به صورت مستقیم حکم اعلان برائت در سوره توبه را وحوب دانسته‌اند به طور مثال از میان مفسران سلفی صاحب تفسیر محاسن التأویل، آیه **﴿بَرَأَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ﴾** را جمله اسمیه‌ای می‌داند که بر انشاء برائت دلالت می‌کند (قاسمی، ۱۴۱۸/۵: ۳۴۶).

رشیدرضا، ضمن برداشت وجوب برائت از آیه، حکم برائت را حکمی صرفاً تشریعی می‌داند که از این طریق خداوند متعال حکمی را تشریع کرده و حکم به نقض پیمان و برائت از مشرکان داده است. از نظر وی دلیل نسبت داده شدن برائت به خدای متعال، صدور حکم تشریعی جدید از جانب خداوند و دلیل نسبت داده شدن برائت به پیامبر ﷺ، مأمور بودن ایشان به تبلیغ و اجرای حکم برائت است (رشیدرضا، ۱۴۱۴/۱۰: ۱۵۱). از نظر علامه طباطبایی حکم موجود در آیه صرفاً تشریعی نیست، بلکه علاوه بر تشریع، انشاء حکم و قضاء بر برائت نیز می‌باشد. مراد از انشاء حکم و قضاء این است که فرمان برائت و نقض پیمان با مشرکان صرفاً تشریع خداوند متعال نبوده؛ بلکه حکم و قضاوتی است درباره معاهده‌ای که میان مشرکان و پیامبر ﷺ وجود داشته است. در واقع این آیه جواز مقابله به مثل و نقض پیمان با مشرکان را را صادر کرده است. ایشان با استناد به آیه **﴿وَلَا يُشِرِّكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا﴾** (کهف، ۲۶) و خدا هیچ‌کس را در فرمان دادن شریک قرار نمی‌دهد، حکم تشریعی را مختص خداوند متعال دانسته و آمدن نام پیامبر ﷺ در

کنار نام خداوند در این آیه را، دلیلی بر صرف تشریعی نبودن حکم در آیه می داند. چرا که در احکام تشریعی، بنابر بیان صریح قرآن، احدهی حتی پیامبر با خداوند متعال شریک نیست (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴۷/۹).

بنابراین، در زمینه حکم برایت نظر مفسران منتخب با یکدیگر متفاوت است و علامه طباطبایی برخلاف رشید رضا آیه را صرفاً بیانگر یک حکم تشریعی کلی نمی داند؛ بلکه معتقد است آیه علاوه بر تشریع، بیانگر حکم و قضاء الهی نسبت به معاهده میان مشرکان و پیامبر ﷺ است. از میان مفسران متقدم، شیخ طوسی در ذیل آیه اول سوره برایت بیان می کند که این آیه امری از جانب خداوند متعال برای مقابله به مثل با پیام شکنی مشرکان است (طوسی، بی تا: ۱۶۸/۵). هر چند شیخ طوسی به طور مستقیم نامی از قضائی بودن حکم نیاورد است، اما از مضمون کلام ایشان می توان این مطلب را استفاده کرد.

علامه جوادی نیز ضمن اذعان به انسایی بودن آیه، با استناد به آیه **﴿وَلَا يُشِّرِّكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدٌ﴾** (کهف، ۲۶) و **﴿وَخَدَا هِيَّقَ كَسَ رَادِرَ فَرْمَانَ دَادَنَ شَرِيكَ قَرَارَ نَمِيَّ دَهَدَ﴾** و **﴿أَنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ﴾** (یوسف، ۴۰) «حکومت فقط از آن خداست» قانونگذاری و تشریع را مختص خداوند متعال می داند. علامه جوادی معتقد است پیامبر ﷺ نیز همچون سایر افراد حق صدور حکم تشریعی را ندارد. اما درباره احکام ولایی و سیاسی نام پیامبر ﷺ به عنوان قاضی و رهبر جامعه اسلامی در کنار نام خداوند در آیات مختلف ذکر شده است، مانند آیه **﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُول﴾** (نساء، ۵۹) ایشان بر این باورند که بیزاری کلامی خداوند از مشرکان همواره وجود داشته و برایت از مشرکان در این آیه از سنت های الهی می باشد؛ لذا نزول آیات برایت بیانگر احکام حقوقی و فقهی برایت است (جوادی آملی، ۱۳۹۳: ۲۱۷/۳۳-۲۱۲/۳۳ و ۲۴۰-۲۱۳).

با توجه به مطالب بیان شده، به نظر می رسد دیدگاه علامه طباطبایی دقیق تر و با سایر آیات قرآن سازگارتر است. همچنین نظر دانشمندانی همچون شیخ طوسی و علامه

جوادی نیز همسو با دیدگاه علامه است؛ لذا دیدگاه وی نظری شاذ و نادر و یا بدون پشتونه نیست. این در حالی است که رشید رضا برای تأیید دیدگاه خود و اثبات صرفاً تشریعی بودن حکم برائت دلیلی اقامه نکرده است.

۵. مصادیق برائت

قرآن کریم در سوره توبه مصادیق برائت از مشرکان را این‌گونه بیان می‌کند: **﴿فَإِذَا انسلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدُّتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ﴾** (توبه، ۵) «پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمین‌گاهی به کمین آنان بنشینید» آیه شریفه درباره مصادیق و نحوه اظهار برائت از مشرکان چند راه مختلف را بیان کرده است: ۱. کشتن. ۲. اسیر گرفتن. ۳. محاصره کردن. ۴. کمین کردن.

شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان دو نظر متفاوت را ذیل آیه مطرح کرده است. نخست دیدگاه گروهی از مفسران را بیان کرده که قائل به تقدیم و تأخیر در آیه هستند. به این صورت که در واقع مفهوم آیه **﴿فَخُذُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدُّتُمُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ﴾** بوده ولی در آیه فرمان به قتل بر فرمان اسیر گرفتن مقدم شده است. توضیح اینکه از نظر این مفسران وقتی ابتدا فرمان به قتل در آیه بیان شده است و بعد حکم به اسیر گرفتن بیان شده تقدیم و تأخیری صورت گرفته است. در واقع ابتدا باید به اسارت گرفتن اتفاق بیفتاد و در آخر نوبت به کشتن برسد و حکم کشتن که در آیه مقدم شده باید مؤخر می‌آمد. دیدگاه دیگر نظر مفسرانی است که قائل به تقدیم و تأخیر در آیه نیستند؛ یعنی معتقد نیستند که خداوند آنچه حقش تأخیر بوده را مقدم کرده است. حال این عده در مواجهه با ترتیب فعلی مصادیق برائت، قائل به تخيیر شده‌اند. این تخيیر بر اساس مصلحت صورت گرفته و کاری که مصلحتش بیشتر است انجام می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۲/۵).

رشید رضا در تفسیر المنار قائل به تخيیر بین موارد و انتخاب هر یک از آن‌ها براساس

مصلحت و تدابیر جنگی می‌باشد (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۶). در این نظر، مراغی نیز با رشیدرضا هم عقیده است (مراغی، بی‌تا: ۱۰/۵۸). البته با عنایت به این مطلب که هر دو مفسر از شاگردان محمد عبده بوده‌اند (علوی‌مهر، ۳۴۴: ۱۳۹۶، ۳۴۶)، چنین اتفاق نظری بعید به نظر نمی‌آید.

از نظر علامه طباطبایی هر یک از دستورات چهارگانه، بیان نوعی از روش‌ها و اسباب نابود کردن و از بین بردن کفار و نجات مردم از شر آن‌ها می‌باشد. علامه در رابطه با تخيیری یا ترتیبی بودن اوامر چهارگانه در آیه قائل به ترتیب بوده و به ترتیب ابتدا قتل، سپس دستگیری، در مرتبه سوم محاصره و در آخر کمین گذاشتن برای دست یافتن به ایشان را وظیفه مسلمانان دانسته‌اند؛ به این ترتیب تا وقتی امکان کشتن مشرکان فراهم باشد نوبت به موارد دیگر نمی‌رسد (طباطبایی، ۹/۱۳۹۰، ۹/۱۵۲). این دیدگاه علامه طباطبایی مورد تأیید علامه جوادی آملی می‌باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۳/۳۳، ۱۳۹۳/۲۵۹).

علامه وقوع تقدیم و تأخیر در آیه را نپذیرفته و آن را تصرفی بدون مجوز در آیه دانسته‌اند که با سیاق آیه مخصوصاً با ذیل آن سازگاری ندارد. همچنین با توجه به تأثیر زمانی المیزان از المنار، علامه طباطبایی در توجیه کلام رشیدرضا در رابطه با تخيیری بودن احکام چهارگانه در آیه می‌گوید: «شاید مراد کسی که قائل به تخيیر شده تا مسلمانان بر اساس مصلحت هر آنچه را صلاح دیدند اختیار کنند، همین مطلب باشد که به ترتیب از قتل تا کمین کردن را انجام دهند». البته علامه این وجه را خالی از تکلف ندانسته و سیاق را ترتیبی بودن احکام سازگارتر دانسته‌اند (همان).

با وجود کثرت قائلان به نظریه تخيیر، دلیل و شاهدی برای صحت این قول از جانب مفسران ارائه نشده است؛ اما علامه طباطبایی دلیل ترتیبی بودن احکام مطرح شده در آیه را قرینه سیاق و غرض آیه می‌داند. از نظر علامه، غرض از بیان این آیه، در معرض نابودی قراردادن مشرکان و رهایی مسلمانان از شر وجود آن‌ها است که با ترتیبی بودن این احکام سازگار است (همان). قرینه سیاق به عنوان یکی از قرائن لفظی در کلام، مورد

توجه علامه طباطبایی بوده و ایشان از این قرینه برای اهداف مختلفی استفاده کرده است که یکی از آن‌ها، استفاده از قرینه سیاق در مشخص کردن مقصود آیات است (اویسی، ۱۳۸۱: ۲۰۴)؛ بنابراین، دقت علامه طباطبایی در استفاده از سیاق و توجه به غرض آیات عامل صحت نظریه ایشان و ترجیح این نظر بر دیدگاه رشیدرضا و سایر مفسرانی است که قائل به تخيیر می‌باشند.

۶. روایات اعلان نزول آیات برائت

با توجه به رویکرد روایی مفسران سلفیه، بیشترین مطالب و اختلاف نظر در تفسیر آیات برائت، در قسمت روایات اعلان آیات برائت به مشرکان است. در این بخش ضمن تلاش بر حفظ اختصار و پرهیز از پراکنده‌گویی به بیان نظرات مهم شیعه و سلفیه و بررسی هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

آنچه از بررسی روایات فرقیین در ذیل آیات برائت حاصل می‌شود، اعلان نزول آیات برائت توسط امام علی علیه السلام است. با این توضیح که ابتدا پیامبر اسلام علیه السلام آیات برائت را به ابوبکر سپرده‌نده تا در مراسم حج اعلام کند، اما سپس امام علی علیه السلام را در پی او فرستادند تا آیات برائت را از ابوبکر گرفته و خود ایشان از جانب پیامبر علیه السلام آیات را بر مشرکان قرائت کنند. پس از آن ابوبکر به مدینه بازگشت و از پیامبر علیه السلام سؤال کرد آیا درباره من مطلبی نازل شده است؟ پیامبر فرمودند: «خیر. جبرئیل بر من نازل شد و ابلاغ کرد که ای پیامبر! این آیات را کسی جز خودت یا مردی از خودت اعلام نکند». متن روایت در کتب شیعه و سنسی با اندکی تفاوت در الفاظ این چنین است: «لَمَّا نَزَّلَتْ عَشْرُ آيَاتٍ مِّنْ بَرَاءَةٍ عَلَى النَّبِيِّ عَلِيِّ اللَّهِ دَعَا أبا بكرٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُ لِيَقْرَأْهَا عَلَى أهْلِ مَكَّةَ ثُمَّ دَعَانِي فَقَالَ لِي أَدْرِكُ أبا بكرٍ فَحِيشُّمَا لَقِيَتُهُ فَحُذَّلَ الْكِتَابَ مِنْهُ وَرَجَعَ أبُو بكرٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ نَزَّلَ فِي شَيْءٍ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنَّ جَبَرِيلَ جَاءَنِي فَقَالَ لَنْ يُؤَدِّيَ عَنْكَ الْأَنْتَ أَوْ رُجُلٌ مِّنْكَ» (قلمی، ۱۳۶۳: ۲۸۲/۱؛ عیاشی، ۱۴۱۸: ۲۰۹/۳؛ سمعانی، ۱۴۰۴: ۸۴/۲؛ سیوطی، ۱۴۱۴: ۳۸۱/۲؛ شوکانی، ۱۳۸۰: ۲۸۶/۲).

رشیدرضا در المنار، به بیان روایات مربوط به اعلان نزول آیات برایت پرداخته و در روایتی از انس از پیامبر اکرم ﷺ، عبارت «لَا يُودِي عَنْكَ الْأَنَّتْ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» را ذکر کرده است. البته او روایات دیگری نیز در این مورد ذکر کرده است که در برخی از آن‌ها ابوهیره و ابوبکر و افراد دیگری نیز به اعلان آیات برایت پرداخته‌اند. رشیدرضا ضمن پذیرش اصل روایات اعلان برایت، دلالت این روایات و عبارت «الا رَجُلُ مِنْكَ» بر افضلیت امام علی علیه السلام ساخته ذهن شیعیان دانسته و معتقد است شیعیان مثل همیشه، درباره فضائل امام علی علیه السلام غلو کرده‌اند (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۱). صاحب المنار برای اثبات عدم افضلیت امام علی علیه السلام و غلو بودن ادعای شیعیان، دلایلی ذکر کرده که در ادامه دلایل رشیدرضا و پاسخ‌های شیعیان به خصوص علامه طباطبایی به دلایل او بیان می‌شود.

دلیل اول: عبارت «الا رَجُلُ مِنْكَ» که شیعیان برای اثبات افضلیت امام علی علیه السلام به آن تمسک کرده‌اند، فقط در روایت سُدّی بیان شده است. او روایت سُدّی را فاقد سند متصل به صحابه دانسته و قائل است این روایت از سُدّی مخالفانی از صحابه دارد و با دیدگاه رایج بین عام و خاص مسلمانان مخالف است.

پاسخ: علامه طباطبایی معتقد است عبارت «الا رَجُلُ مِنْكَ» در اکثر منابع روایی نقل شده است و صرف وهم و گمان شیعیان نمی‌باشد (طباطبایی، ۹/۱۳۹۰: ۹/۱۷۳). همچنین علامه مطابق روش خود در المیزان، در این بخش نیز به بررسی دقیق روایات پرداخته و با تمسک به اختلاف در نقل روایت از جمله تعداد آیات ابلاغ شده، اختلاف در مصادق حج الکبر، اختلاف در تعیین ماه‌های مهلت داده شده و... ادعای قطعی و مسلم بودن روایات نزد عام و خاص به گونه‌ای که صاحب المنار ادعا می‌کند رارد کرده است (همان: ۱۷۳-۱۷۵).

روایات اعلان نزول و حتی عبارت «لَا يُودِي عَنْكَ الْأَنَّتْ أَوْ رَجُلٌ مِنْكَ»^۱ در منابع

۱. مضمون عبارت در تمام منابع مشترک، ولی الفاظ آن متفاوت است.

روایی شیعه و اهل سنت، با سلسله روایان متفاوت، بیان شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶؛ ۱۸۳؛ حاکم نیشابوری، ۱۴۳۵؛ ۱۴۳۵؛ ابن بابویه، ۱۳۶۱؛ ۲۹۸؛ سلیمان کوفی، ۱۴۲۳؛ ۲۴۶؛ ۴۶۲). در نتیجه ادعای رشیدرضا مبنی بر اینکه این عبارت فقط در روایت سُدی آمده ادعایی بدون پایه و اساس است و نظر علامه و نقد او بر رشیدرضا مستند قوی تری دارد.

دلیل دوم: شاهد دیگر رشیدرضا بر دیدگاه شیعه، کاربرد عبارت «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» در برخی روایات به جای عبارت «رَجُلٌ مِنِي» است. او اعتقاد دارد عبارت «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» در واقع تفسیر عبارت «رَجُلٌ مِنِي» است، لذا برداشت شیعه از «رَجُلٌ مِنِي» که براساس آن، نفس علی علیه السلام را مانند نفس رسول خدا علیه السلام و او را به مانند پیامبر علیه السلام و افضل از صحابه می دانند، صحیح نیست (رشیدرضا، ۱۴۱۴؛ ۱۶۴؛ ۱۰).

پاسخ: علامه عبارت «الْأَرْجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» را از باب نقل به معنای عبارت «الْأَرْجُلُ مِنْكَ» می داند و معتقد است؛ چون این عبارت تنها در روایت انس آمده نباید آن را مبنای تفسیر روایات متعدد دیگری که حاوی تعبیر «الْأَرْجُلُ مِنْكَ» است قرار داد. او همچنین می گوید این که علی علیه السلام به منزله جان پیامبر علیه السلام است تنها از عبارت «الْأَرْجُلُ مِنْكَ» استفاده نمی شود بلکه این برداشت به قرینه عبارت «لَا يُوَدِّي عَنْكَ الْأَنْتَ» حاصل می شود. لذا اگر در کلام پیامبر علیه السلام، عبارت «الْأَرْجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي» هم بوده باشد، باز همان جایگاه برای علی علیه السلام قابل برداشت است. علاوه بر این علامه معتقد است رشیدرضا در تعیین مصادیق اهل بیت علی علیه السلام اهمال کرده، چرا که بنا به روایات مستفیض و متواتر مقصود از اهل بیت، علی، فاطمه و حسنین علیهم السلام هستند (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲؛ ۱۴۱۹؛ ۵-۷/۲۲؛ این کثیر، ۳۶۵/۶-۳۶۹) و از آنجا که در آن زمان میان ایشان مردی جز علی علیه السلام نبوده پس به فرض صحت عبارت «الْأَرْجُلُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»، این تعبیر نیز کنایه از علی علیه السلام است (طباطبایی، ۱۳۹۰؛ ۱۷۶/۹-۱۷۸).

دلیل سوم: اعلام آیات برائت توسط امام علی علیه السلام پیروی از رسم عرب جاهلی بوده است. رسم عرب این بود که نقض عهد توسط خود شخص یا یکی از اعضای خانواده او

انجام شود؛ بنابراین، اعلان برایت از مشرکان توسط علی علیه السلام به جهت نسبت و قربت او با پیامبر ﷺ بوده و فضیلتی به شمار نمی‌آید (رشید رضا، ۱۴۱۴/۱۰: ۱۶۴).

پاسخ: از نظر علامه نادیده گرفتن عبارت وحیانی «لا یوَدِی عَنْكَ الْاِنْتَ اَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» و اعتقاد به پیروی پیامبر ﷺ از رسم جاهلی به دور از انصاف است. به اعتقاد علامه طباطبایی اگر چنین رسمی وجود داشته، پیامبر ﷺ که در نهایت دوراندیشی بودند از آن غفلت نمی‌کردند و ابتدا ابوبکر را نمی‌فرستادند (طباطبایی، ۱۳۹۰/۹: ۱۷۰). همچنین از نظر علامه بین عبارت «لا یوَدِی عَنْكَ الْاِنْتَ اَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» و عبارت «لا یوَدِی الْاِنْتَ اَوْ رَجُلٌ مِنْكَ» تفاوت وجود دارد. تعبیر اول که همان تعبیر به کار رفته در روحی الهی است، اشترک در مأموریت را می‌رساند، ولی عبارت دوم این مطلب را بیان نمی‌کند (همان). با توجه به حکمت الهی در به کارگیری الفاظ و بیهوده نبودن هیچ یک از کلمات وحی، می‌توان از همین عبارت کوتاه می‌توان شدت نزدیکی و قربت امیر مؤمنان علیه السلام نسبت به پیامبر ﷺ را نتیجه گرفت؛ لذا با این بیان، تبعیت پیامبر ﷺ از رسم جاهلی ادعای صحیحی نمی‌باشد.

دلیل چهارم: اعتقاد شیعه به عزل ابوبکر از امیرالحجاجی سال نهم هجرت و گماشتن امام علی علیه السلام به این منصب، بهتان بزرگی است که مخالف روایات وارد در این زمینه است. ابوبکر در سال نهم هجرت امیرالحجاج و امام علی علیه السلام تابع او در اقامه یکی از ارکان اجتماعی اسلام بوده است و حتی زمان اعلان آیات برایت را نیز ابوبکر تعیین کرده است؛ بنابراین، این روایات اثبات خلافت ابوبکر است و خلافت امام علی علیه السلام را نمی‌رساند (رشید رضا، ۱۴۱۴/۱۰: ۱۶۱). رشید رضا در این دیدگاه با افرادی از جمله ابن کثیر و سمعانی هم نظر بوده، لذا اعتقاد به امیرالحجاج بودن ابوبکر و ولایت او بر امام علی علیه السلام دیدگاهی مرسوم در میان مفسران سلفیه است (ابن کثیر، ۱۴۱۹/۴: ۹۲، ۹۳؛ سمعانی، ۱۴۱۸/۲: ۲۸۶).

پاسخ: از نظر علامه طباطبایی این سخنان سندی جز روایت ابوهریره ندارد. ابوهریره

در روایتش ادعا کرده که در اعلان آیات برایت همراه با امام علی علیه السلام بوده و وقتی صدای ایشان می‌گرفته، ابوهریره آیات را اعلان می‌کرده است. چطور ممکن است پیامبر علیه السلام امام علی علیه السلام را در پی ابوبکر روانه کند که آیات را از او گرفته و خودش اعلام کند ولی ابوهریره در اعلان آیات مشارکت داشته باشد؟ (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۷۶، ۱۷۲/۹) همچنین، جعل احادیث توسط ابوهریره در منابع مختلف بیان شده است (هارونی، ۱۴۱۴: ۲۵۹؛ طبری، ۱۴۱۵: ۷۷۹).

علاوه بر این، خود امام علی علیه السلام نیز در احتجاجات خویش به این واقعه اشاره نموده و آن را یکی از دلایل اثبات برتری خود بر سایر خلفا دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۲۱: ۱/۱۵۲)؛ لذا استفاده از این روایات در اثبات برتری امام علی علیه السلام غلو شیعیان نبوده است.

بنابراین، علامه و رشیدرضا همچون سایر مفسران شیعه و سلفیه، در اصل روایات و اینکه امام علی علیه السلام با وحی الهی مأمور به گرفتن آیات از ابوبکر و ابلاغ آن‌ها بوده اتفاق نظر دارند. اما رشیدرضا با کتمان فضائل اهل بیت علیه السلام، تمام حوادث را امری عادی تلقی کرده و به رابطه خویشاوندی پیامبر علیه السلام و حضرت علی علیه السلام نسبت داده است. برخی از علمای اهل سنت و مفسران سلفی نیز در این امر را رشیدرضا همسو بوده و ضمن بیان روایات، به انکار دلالت آن‌ها بر افضلیت امام علی علیه السلام پرداخته‌اند (خرازی، ۱۴۲۰: ۱۵/۵۲۴، ۵۲۳). در مقابل علامه طباطبایی با استفاده از دلایل عقلی و نقلی، به اشکالات مطرح شده توسط سلفیه و اهل سنت پاسخ گفته و به اثبات افضلیت امام علی علیه السلام پرداخته است؛ بنابراین، نظر علامه طباطبایی همراه با دلایل عقلی، نقلی و ادبی است؛ ولی دیدگاه رشیدرضا از این حیث ضعیف‌تر می‌باشد. این سوء‌نظر تا جایی است که از شیعیان با عنوان «روافض» یاد کرده است (رشیدرضا، ۱۴۱۴: ۱۰/۱۶۴). بی‌گمان، مفسران سلفیه اگر تعصب را کنار گذاشته و با ضمیر و فطرت سالم به بررسی این روایات می‌پرداختند نتایج متفاوتی به دست می‌آوردنند.

نتیجه

نتایج به دست آمده از مقاله حاضر بدین شرح است:

۱. عموم مفسران شیعه و سلفیه در اصل وجوب برائت از مشرکان اتفاق نظر دارند. اما رشیدرضا حکم برائت را صرفاً تشریعی می‌داند. در مقابل، علامه طباطبایی حکم تشریعی را مخصوص خداوند دانسته و معتقد است به جهت واژه «رسوله» در آیه، حکم برائت افون بر تشریعی بودن، حکم و قضاوت در مورد معااهده میان مسلمانان و مشرکان است.
۲. در رابطه با مصاديق برائت در آیه پنجم سوره توبه، شماری از مفسران شیعه و سلفیه قائل به تخيیر بین موارد چهارگانه در آیه هستند. رشیدرضا نیز قائل به تخيیر و انتخاب یکی از موارد بنابر مصلحت است؛ اما دلیلی بر دیدگاه خود ارائه نکرده است. علامه در نظری متفاوت این احکام را ترتیبی می‌داند. غرض آیه و سیاق، ادله علامه بر اثبات ترتیبی بودن احکام است.
۳. در رابطه با روایات اعلان نزول، اصل این روایات و گرفتن آیات برائت از دست ابوبکر توسط امام علی علیه السلام و به دستور وحی، مورد قبول شیعه و سلفیه است. اختلاف نظر در جایی است که برخی از مفسران سلفیه از جمله رشیدرضا در سند و محتوای روایات اشکال کرده و دلالت آن‌ها بر افضلیت امام علی علیه السلام را نمی‌پذیرند. در مقابل، علامه طباطبایی با ارائه دلیل ادبی و نقلی نظرات رشیدرضا را نقد کرده و قائل به دلالت این روایات بر افضلیت امام علی علیه السلام است.
۴. در مباحث تفسیری و برداشت مفاهیم قرآنی، رشیدرضا و علامه طباطبایی در برخی موارد با یکدیگر هم نظر بوده و در برخی موارد اختلاف نظر دارند. نظرات علامه مستند به ادله معتبر عقلی، نقلی و ادبی است و حقانیت دیدگاه شیعه و میزان تسلط ایشان بر مباحث تفسیری و قرآنی و سنتی مبانی تفسیری سلفیه را اثبات می‌کند.

موضوعات مورد تطبیق	دیدگاه علامه طباطبایی	دیدگاه رشیدرضا	ارزیابی
مفهوم برائت	دوری و بیزاری از هر چیزی که همراهی با آن مورد کراحت باشد.	دوری از هر چیزی که مجاورت با آن خوشایند نباشد.	هر دو مفسر دیدگاه یکسانی دارند.
حکم برائت	علاوه بر تشریعی بودن، دلالت بر حکم و قضاوت الهی نسبت به معاهده میان مسلمانان و مشرکان دارد.	حکمی صرفاً تشریعی است.	برتری دیدگاه علامه به جهت نگاه جامعتر به آیات و بهره‌گیری بهتر از روش تفسیر قرآن به قرآن
مصاديق برائت	ترتبیبی بودن مصاديق	تخییری بودن مصاديق	برتری دیدگاه علامه به جهت سازگاری با سیاق و توجه به غرض آیات
روايات اعلان نزول آیات برائت	معتبر بودن روایات و دلالت داشتن بر افضلیت علی علیا	غالیانه بودن روایات و عدم دلالت بر افضلیت علی علیا	ترجیح دیدگاه علامه به جهت قوت استنادها و استدلالها

منابع

* قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۶۱ق)، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۲. ابن حنبل، احمد، (۱۴۱۶ق)، مسنن الامام احمد بن حنبل، بیروت: موسیسه الرساله، چاپ اول.
۳. ابن سیده، علی بن اسماعیل، (۱۴۲۱ق)، المحکم والمعحیط الاعظم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۴. ابن عربی، محمد بن علی، (۱۴۱۰ق)، رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن، دمشق: مطبعة نصر، چاپ اول.
۵. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام اسلامی، چاپ اول.
۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالصادر، چاپ سوم.
۸. ازهri، محمد بن احمد، (۱۴۲۱ق)، تهذیب اللغة، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۹. اویسی، علی رمضان، (۱۳۸۱)، روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۱۰. بانوامین، نصرت بیگم، (بی‌تا)، مخزن العرفان در علوم قرآن، بی‌جا، بینا، چاپ اول.
۱۱. بهادری، آتنا؛ فیروزیان، شبیر، (۱۳۹۷)، «نگاهی تطبیقی به اعلام نزول سوره برایت در احادیث و رویکردهای مفسران فرقیین»، آموزه‌های حدیثی، شماره ۴، پاییز و زمستان.
۱۲. پاکتچی، احمد، (۱۴۰۱)، روش تحقیق با تکیه بر حوزه علوم قرآن و حدیث، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، چاپ ششم.
۱۳. جزائری، ابوبکر جابر، (۱۴۱۶ق)، ایسر التفاسیر لکلام العلی الكبير، مدینه منوره: مکتبة العلوم و الحکم، چاپ اول.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۹۳)، تفسیر تسنیم جلد ۳۳، قم: انتشارات اسراء، چاپ اول.
۱۵. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربية، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ اول.
۱۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، (۱۴۳۵ق)، المستدرک علی الصحیحین، بیروت: دارالتأصیل، چاپ اول.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالقلم، چاپ اول.
۱۸. رشیدرضا، محمد، (۱۴۱۴ق)، تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.

١٩. سلیمان کوفی، محمد، (١٤٢٣ق)، *مناقب الامام امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
٢٠. سمعانی، منصور بن محمد، (١٤١٨ق)، *تفسیر سمعانی*، ریاض: دارالوطن، چاپ اول.
٢١. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (١٤٠٤ق)، *الدر المنشور فی التفسیر بالماهور*، قم: کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
٢٢. شنقطی، محمد امین، (١٤٢٧ق)، *اصوات البيان فی ایضاح القرآن بالقرآن*، بیروت: دارالکتب العلمیة، چاپ اول.
٢٣. شوکانی، محمد بن علی، (١٤١٤ق)، *فتح الکلیر*، بیروت: دار ابن کثیر، دارالکلم الطیب، چاپ اول.
٢٤. طباطبایی، محمدحسین، (١٣٩٠ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
٢٥. طرسی، ابو منصور احمد بن علی، (١٤٢١ق)، *الاحتجاج*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ سوم.
٢٦. طرسی، فضل بن حسن، (١٣٧٢ق)، *مجمع البيان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصرخسرو، چاپ سوم.
٢٧. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٥ق)، *المسترشد فی امامۃ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام*، تهران: موسسه الثقافة الاسلامية لکوشانپور، چاپ اول.
٢٨. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ق)، *جامع البيان فی تفسیر القرآن (التفسیر الطبری)*، بیروت: دار المعرفة، چاپ اول.
٢٩. طوسی، محمد بن حسن، (بیتا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ اول.
٣٠. طیب حسینی، سید محمود، (١٤٥١ق)، «بررسی و نقد دیدگاه‌ها در باب مبانی تفسیر تطبیقی»، *شماره ۴، پاییز و زمستان*.
٣١. علوی مهر، حسین، (١٣٩٦ق)، *آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، چاپ هشتم.
٣٢. عیاشی، محمد بن مسعود، (١٣٨٠ق)، *تفسیر العیاشی*، تهران: مکتبة العلمیة الاسلامیة، چاپ اول.
٣٣. فتحی، علی، (١٣٩٧ق)، *جریان شناسی تفسیر سلفی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
٣٤. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠ق)، *التفسیر الكبير (مفایع الغیب)*، بیروت: دار احیاء التراث العربي، چاپ سوم.

۳۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *كتاب العين*، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۶. فيومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنير فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم: مؤسسه دارالهجرة، چاپ دوم.
۳۷. قاسمی، جمال الدین، (۱۴۱۸ق)، *تفسير القاسمی المسمی محاسن التأویل*، لبنان: دارالكتب العلمیة، چاپ اول.
۳۸. قرشی، علی اکبر، (۱۳۷۵)، *تفسير احسن الحدیث*، تهران: بنیاد بعثت، چاپ دوم.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۳)، *تفسير القمی*، قم: دارالكتاب، چاپ سوم.
۴۰. کریمی، رقیه، (۱۳۷۸)، «مبانی قرآنی و حدیثی برایت از مشرکان»، محمد علی مهدوی راد، دانشکده اصول الدین تهران، پایان نامه ارشد.
۴۱. کمالی اردکانی، حمید، (۱۳۹۵)، «اعلان برایت از مشرکان و تحلیل مفهوم مشرک»، پژوهشنامه حج و زیارت، شماره اول، بهار و تابستان.
۴۲. کمالی اردکانی، حمید؛ موسوی رکنی، سید علی اصغر؛ راغبی، محمد علی؛ ملک افضلی اردکانی، محسن، (۱۳۹۵)، «جایگاه اعلان برایت مشرکان در سیاست خارجی حکومت اسلامی از منظر فقه اسلامی»، حکومت اسلامی، شماره ۳، پاییز.
۴۳. مراغی، احمد مصطفی، (بی تا)، *تفسير المراغی*، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۴۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، (۱۳۸۲)، *دایرة المعارف قرآن کریم*، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۱)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالكتاب الاسلامیة، چاپ دهم.
۴۶. موسوی، سید غلامرضا، (۱۴۰۱)، *روش‌های دین پژوهی*، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه، چاپ دوم.
۴۷. هارونی، احمد بن حسین، (۱۴۱۴ق)، *الامالی الصغری*، یمن: دارالتراث الاسلامی، چاپ اول.